

۳- ص ۱۴۷-۱۴۸.

۴- نقل از، ابراهیم خواجه‌نوی، یازمگان عصر طلایی، تهران، ۱۳۲۱، ص ۲۸۶-۲۹۲.

۵- Reductionism

۶- Episodic discourse

۷- پاره‌ای از نوشته‌های من که در آن این مباحث، بحث و تحلیل شده از این قرار است:

*The Political Economy of Modern Iran*, London and New York: Macmillan and New York University Press, 1981.

(ترجمه فارسی: اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامییز عزیزی، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲).

"The Aridisolatic Society..." *International Journal of Middle Eastern Studies*, July 1983.

*Musaddiq and The Struggle for Power in Iran*, London and New York: I.B. Touris, 1990.

(ترجمه فارسی: مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳).

استبداد، دموکراسی و نهفت ملی، لندن و واشنگتن: مهرگان ۱۳۷۲؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲.

"Problems of Political Development in Iran: Democracy, Dictatorship or Arbitrary Rule?", *British Journal of Middle Eastern Studies*, forthcoming 1995

فریدون وهمن

«شبنمی روزی»

*Once A Dewdrop  
Essays on the Poetry of Parvin E'tesami*

چند گفتار درباره شعر پروین اعتصامی

با مقدمه و به کوشش حشمت مؤید

Edited with an Introduction by  
Heshmat Moayyad  
Bibliotheca Iranica, Literature Series Number 1  
Mazda Publishers  
Costa Mesa, California, 1994, pp. 233

در آغاز بهار سال ۱۹۸۹ کنفرانسی به همت و دعوت دکتر حشمت مؤید و همکاری دکتر حمید دباشی و محمد توکلی طرقي در دانشگاه شیکاگو تشکیل شد که می‌توان آن را به‌حق نخستین گردهمایی علمی درباره پروین اعتصامی دانست. در این کنفرانس هفت

تن از استادان دانشگاههای امریکا و کانادا خانمها فرزانه میلانی، ریوانه سندلر و آقایان لئونارد عالیشان، حمید دباشی، محمدرضا قانون پرور، حشمت مؤید، و فریدون فرخ و خانم فرشته داوران سخنرانهایی ایراد نمودند که کتاب حاضر حاصل آن است. به این سخنرانها دو مقاله دیگر نیز افزوده شده یکی مقاله‌ای به قلم دکتر جلال متینی و دیگر مقاله‌ای از دکتر احمد کریمی حکاک، و کتاب با مقدمه استاد حشمت مؤید ویراستار آن، و افزودن ترجمه ده شعر جدید که توسط دکتر مؤید و خانم مارگرت مادلونگ به انگلیسی برگردانده شده منتشر گردیده است.

پروین اعتصامی بدون تردید از بزرگترین شاعران سرزمین ماست. گوینده‌ای است توانا که گروه بزرگی از دانشمندان و شعرشناسان ما، از دهخدا و ملک‌الشعراء بهار و علامه قزوینی، که همعهدان او بوده‌اند گرفته، تا فضلاء و ادیبان امروزی، بر چیره‌دستی او در صنعت شاعری و استادی او بر خلق آثاری که با شاهکارهای سخنوران دیرین ما پهلو می‌زند گواهی داده‌اند.<sup>۱</sup> در پنجاه و چهار سالی که از مرگش می‌گذرد اقلانته بار دیوان کاملش به چاپ رسیده و منتخب اشعار او نیز به صورت‌های گوناگون به دست علاقه‌مندان رسیده است. در سالهای اخیر مخصوصاً با کوششهای دکتر مؤید که صمیمانه به پروین و آثارش مهر می‌ورزد نام پروین در غرب آوازه تازه‌ای یافته است. دکتر مؤید در سال ۱۹۷۴ در مقاله مفصلی شرح حال و تحلیل اشعار و اندیشه‌های پروین اعتصامی را در زبان انگلیسی عرضه کرد<sup>۲</sup> و در سال ۱۹۸۵ ترجمه منتخباتی از دیوان او را به انگلیسی که همراه با مارگرت مادلونگ فراهم آورده و به آن مقدمه محققانه‌ای افزوده بود در امریکا نشر کرد.<sup>۳</sup> در سال ۱۹۸۷ مقاله‌ای جامع به یاد او در مجله ایران‌نامه به مناسبت هشتادمین سال تولدش درج نمود<sup>۴</sup> و در همان سال دیوان کامل پروین اعتصامی را با مقدمه و کتابشناسی جزء انتشارات مزدا در امریکا منتشر ساخت. دو سال بعد چنان که در بالا آمد کنفرانسی در همین زمینه در دانشگاه شیکاگو به ابتکار او تشکیل گردید. پیش از انتشار کتابی که اکنون به معرفی آن می‌پردازیم پنج مقاله که بخشی از این کتاب را تشکیل می‌دهد به زبان فارسی در مجله ایران‌شناسی<sup>۵</sup> درج شد و خوانندگان فارسی زبان را با حال و هوای کنفرانس مزبور و نمونه تحقیقاتی که در آنجا ارائه گردیده آشنا ساخت.

به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که در میان شعرای معاصر پروین از محبوبیت و اقبال فراوان عامه مردم و توجه اهل علم و تحقیق برخوردار بوده است. اما علی‌رغم این حقیقت، به نظر می‌رسد که خواننده فارسی‌زبان هنوز نتوانسته است پروین و اشعارش را به‌مانند

دیگر شاعران محبوب خود در دل و جان بپذیرد و با او یگانه شود. در شخصیت پروین، در اشعارش، در محیط زندگانی و دایره حیاتش چیزی مبهم و مرموز وجود دارد که دستیابی به او و افکارش را دشوار می‌سازد. نه آن که شعرش نامفهوم باشد، بلکه، آثارش در کمال روشنی و روانی، و با زیبایی لفظ و معنی، درجه‌ای نیست که خواننده بتواند به آسانی با قلب شاعر در تماس آید و یا مانند صدها شاعر پارسی‌گوی دیگر او را بی‌پروا در قلب خود بپذیرد. خواننده آثار پروین، اگر در بند آن نباشد که بخواهد او را با شعرای بزرگ مقایسه کند (کاری که اهل فن کرده‌اند)، از شعر او لذت می‌برد، زبان مناظره را که به استادی در برخی از قطعاتش به کار برده می‌فهمد، با دردها و رنجهای او از دیدن فقرا و محرومان اجتماع شریک می‌شود. هم‌زبان با او از پادشاهان و حکام جبار زمانه دادخواهی می‌کند، اصالت و ویژگی شعرش و نگارگریها و فکر واقع‌بین و استوار او را ستایش می‌نماید، استقلال فکر او و نکته‌سنجیهایش را مورد تحسین قرار می‌دهد و به‌طور خلاصه او را محبوب می‌دارد. اما گویی فاصله‌ای نامرئی بین خود و شاعر حس می‌نماید، لذا با احترام و مهر از او دور می‌گردد تا کی دوباره دیوانش را به دست گیرد و دمی مونس خود سازد. به قول محمدرضا قانون‌پرور

با آن که صدای شاعر را می‌شنویم و در بیانش نیز ابهامی وجود ندارد، باز گویی نقابی، پرده‌ای یا حائلی به‌نوعی افکار و احساسات واقعی پروین را از ما مخفی می‌دارد. از یک طرف انگار شاعر درست همان‌جا در کنار صفحات دیوانش و در مقابل ما نشسته است و از طرف دیگر وی همچون شبی به نظر می‌رسد. لحظه‌ای فکر می‌کنیم او را می‌بینیم و لحظه بعد در این اندیشه‌ایم که چشمانمان به‌خطا رفته‌اند؟

آنچه هم که دوستداران پروین در مقالات خویش به‌زبانهای گوناگون از شناخته شدن قدر او و پوشیده ماندن مقامش به‌عنوان شاعری کم‌نظیر می‌نویسند ظاهراً بازتاب همان احساس جدایی و فاصله ناخودآگاه از پروین است. ظواهر امر، به‌طوری که در بالا هم آمد، نمایانگر آن است که مردم کتابخوان ایران بیش از پنجاه سال است که از انتشار دیوان پروین استقبال کرده‌اند و محققان و نویسندگان ما نیز مقالات گوناگونی درباره او نگاشته‌اند، پس آن فاصله نامرئی و پنهانی که ما را از پروین جدا می‌نماید در کجاست؟

طرح این نکته بدان معنی نیست که لزوماً قصور و کم و کاستی متوجه پروین و اشعار او باشد. سؤال این‌جاست که آیا پروین خود را در هاله‌ای از خواننده‌اش پنهان

کرده، یا خواننده است که نمی‌تواند حجاب و معانی را که جلوی چشم خود دارد به یکسو بزند و به او دست یابد.

این فاصله و جدایی که گاه برخی را در مورد کیفیت اشعار پروین و شیوه تفکر او نیز به شبهه می‌اندازد در ساختار مقالات کتابی که اینک معرفی می‌نماییم نیز به چشم می‌خورد. از نویسندگان فقط چند تن صریح و بی‌پرده، مثبت یا منفی، در مورد پروین به قضاوت نشسته‌اند. دیگران با ابراز علاقه به پروین و ستایش قدرت شاعری او و گاه تکرار آنچه بارها در مورد پروین گفته و نوشته شده نتوانسته‌اند رابطه خود را با او پیدا کنند و به شرح کلیاتی در حواشی دیوان او اکتفا نموده‌اند گویی آن پرده و نقابی که پروین را به صورت شبی درآورده بدون آن که خود خواسته باشند بر مقاله ایشان نیز سایه افکنده است.

نخستین مقاله کتاب از دکتر جلال متینی است که ترجمه مقدمه وی بر ویژه‌نامه ایران‌شناسی می‌باشد. استاد متینی کوشیده است اشعار پروین را علی‌رغم آن که تاریخ سرودن ندارد طبقه‌بندی نماید، و ضمن ابراز تأسف از ناچیز بودن آگاهی‌های ما از خلیقات و زندگی و پسندهای شاعر آرزو کرده است که دیوان او از نظر دستوری و واژگان و مضامین شعری به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد.

مقاله لئونارد عالیشان تحت عنوان «پروین اعتصامی، مادر بزرگ (طبیعت) و فرهنگ پدرسالاری»<sup>۶</sup> کوششی است در تطبیق پروین و آثار او با تئوری نویسنده بر این مبنا که در ادیان کهن که شیوه تفکر آنان بر پدرسالاری بنا شده تمایل بر این بوده است که بدن انسان را (که از اصل مادینه و در ارتباط با زمین و خاک زاییده شده)، زندان روح (که از اصل نر و در ارتباط با آسمان به‌وجود آمده) بدانند. وی غلبه مردسالاری را در طی قرون و اعصار نتیجه چنین ارتباطی می‌داند. این رشته تفکر را نه تنها در ادیان آریایی مثل زردشتی، مانوی، و آیین مزدک بررسی می‌کند بلکه به‌ادامه آن به‌نحو شدیدتری در ادیان سامی (زاییده از ابراهیم) تکیه می‌نماید و معتقدست که همین طرز فکر یعنی شیوه مردسالاری بر اشعار پروین سایه افکنده است. به‌نظر عالیشان پروین با آن همه استعداد خود به‌جای پاسخ به نیازهای عصر و زمان خویش یعنی نوآوری در شعر و سرودن قطعاتی که بیشتر بوی زن و زنانگی بدهد، برده‌وار پا جای پای گوندگان مرد گذشته گذارده، همان مبانی اخلاقی و فکری قدیمی را تکرار کرده و با سرکوب نمودن استقلال فکری و شادایی شخصیت و جوانی خود کوشیده است دختر سر به‌زیر و مطیع پدرش باشد.

مقاله حمید دباشی تحت عنوان «شعر، سیاست و اخلاق: ارمغان پروین اعتصامی

به شعر فارسی»<sup>۸</sup> سراسر ستایش و بزرگداشت پروین است. دباشی پروین را نه تنها از برجسته‌ترین شعرای معاصر ایران می‌داند بلکه وی را از معماران طراز اول اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی در ایران به‌شمار می‌آورد. وی پس از بحثی درباره اهمیت اجتماعی یک شاعر و برشمردن ویژگی‌هایی که برای راه یافتن به چنین مقامی لازم است، آنها را با پروین مقایسه می‌کند و معتقد است افکار سیاسی و اجتماعی پروین در لابلای شعر او «چونان عطر بیدارگری در برگ گلی» جان و دل هزاران انسان را با ارجمندترین عواطف و عقاید «متبرک» گردانده است. نویسنده با طبقه‌بندی و شرح مضامین اشعار پروین مثل تفتیح ظلم، تصویر فقر، شک در مشروعیت سیاسی دولت، طغیان علیه ظلم، و بحثی در اخلاقیات والایی او، سرانجام با «اعجاب و تحسین» ظهور پروین را یک «اتفاق عظیم و مبارک در تاریخ کهن شعر فارسی» به‌شمار می‌آورد.

قضاوت فرشته داوران در مورد پروین به کلی دیگرگونه است. وی در مقاله‌اش تحت عنوان «شعر غیرشخصی پروین اعتصامی»<sup>۹</sup> ابتدا به تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی ایران که تمام دوره حیات پروین را در بر می‌گرفته می‌پردازد. همزمان با تولد پروین، مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطیت را صادر می‌کند و پس از آن حوادث گوناگون و گاه سهمگین بر کشور می‌گذرد. نه تنها در عرصه سیاست بلکه در سایر زمینه‌های اجتماعی نیز ایران شاهد تحولات و دگرگونی‌های فراوان است. انتشار روزنامه‌ها که از زمان ناصرالدین‌شاه آغاز شد رونق فراوان می‌یابد، نثر مصنوع و متکلف جای خود را به سبکی ساده و قابل فهم می‌سپارد. شاعرانی مثل سید اشرف‌الدین گیلانی، ایرج میرزا، عشقی و عارف به سرودن اشعار سیاسی و انقلابی و اجتماعی می‌پردازند. روزگاری آغاز شده که بلاهای آسمانی دیگر به قضا و قدر حواله نمی‌شود بلکه نتیجه آشکار ظلم حاکمان و نادانی حکام تلقی می‌گردد. زنان نیز سر برآورده به‌عیان خواستار حقوق بیشتر می‌شوند. سپس دوران حکومت رضاشاه که کشور از امنیت و رفاه بیشتری بهره‌مند است فرامی‌رسد و این همان دوره شکوفایی و کثرت اشعار پروین است. سؤال داوران این است که چرا اشعار پروین از همه این جریان‌ها و سیلاب‌های تندرو و گاه مهیب اجتماعی تهی‌ست و وی چشم به محیط و اطراف بسته و خود را اسیر کلیاتی که صدها شاعر دیگر در قرن‌های گذشته به آن پرداخته‌اند نموده است. پروین شعر «شخصی» نگفت و خود را در کلیات محصور نمود و به‌جای سخنان صریح و بی‌پرده خطابش به «مور و ملخ و فیل و فنجان و محتسب و شخنه و دوک‌ریس و خارکن» بود. نویسنده معتقد است تنها شعر «شخصی» پروین قطعه‌ای است که او بعد از مرگ پدر در رثای او سروده است و دیگر

هیچ. به عقیده وی، پروین نه تنها با زمان خود در تحول شعر نوین فارسی هماهنگ نشد بلکه با شیوه کهنی که در شاعری انتخاب کرد «نگهبانان زندان و میله‌های قفس خود را می‌ستود و بر بال و پر خود و میل به پرواز و آزادی نفرین می‌کرد و از هر چه که او را به زندگی و حرکت و وفاداری به سرشت خود دعوت می‌کرد خشمگین می‌شد...»

سؤال دیگر داوران در مورد احساسات زنانگی پروین و روابط او با مردان است. وی با نقل قول از نزدیکان و همعصران پروین که در مورد خصائص اخلاقی و عفاف و سنگینی و حجب و متانت و وقار شاعر مطالبی گفته‌اند، تعجب می‌کند که چرا پروین برخلاف بسیاری از زنان همعصر خود و یا دیگر نمونه‌های تاریخی و افسانه‌ای زن ایرانی که هزاران حبله و طرفه برای نظربازی و عشوه‌گری و عشق‌ورزی به کار می‌بستند این در را به روی خود بست. آیا ترس از قطع رشته‌های وفاداری به پدر بود یا «خواستنی نیافتن مردان؟»

داوران سرانجام نتیجه می‌گیرند که پروین با قربانی کردن هویت و فردیت خود و سخن نگفتن از خویش، تن به خواست پدر داد و «شکوه‌مندانه از پله‌های شهرت و موفقیت و مقبولیت عام بالا رفت، ولی بهای چنین انکار خودی را با گرامیترین گوهری که در او به ودیعه گذاشته شده بود، با پایمال کردن نبوغ شاعری خود پرداخت».

پنجمین مقاله کتاب که با انگلیسی فاخر و لغات کهن زبان شکسپیر نگاشته شده از فریدون فرخ است تحت عنوان «پروین اعتصامی و لیدی مری ورتلی موتاگیو، تضاد در هماهنگی»<sup>۱</sup> این مقاله مقایسه‌ای است بین پروین اعتصامی با این شاعره انگلیسی که دوست سال قبل زندگی می‌کرده. فرخ برخلاف داوران شیوه شاعری پروین را می‌ستاید، از دوران نوجوانی خود که همسالانش اشعار پروین را با لذت خوانده و آنها را حفظ می‌کردند یاد می‌کند، و با شاهد آوردن از دکتر مؤید زبان شعر او را که اغلب به صورت مناظره یا داستان، و یادآور اشعار مولانا یا عطار است استادانه و سحرآمیز می‌داند چه چنین شیوه‌ای بهتر و موثرتر پیام نهفته در شعر را به خواننده می‌رساند. نویسنده خود می‌پذیرد که بین پروین و ورتلی موتاگیو زیاد وجه شباهتی وجود ندارد. پروین به حد افراط خجول و محجوب و گوشه‌گیر است و لیدی موتاگیو معاشرتی، بذله‌گو، پرسفر و محشور با مردان. وی شیفته تملقها و تمجیدهای دوستداران خود است و از پیش گرفتن رفتاری که این خواسته او را بر آورد ابایی ندارد. اما نفوذ تربیت پدر بر هر دو آنها دیده می‌شود (با نتیجه کاملاً متفاوت)، هر دو از مشاهیر ادبی زمان خود هستند، و هر دو خواستار بهبود وضع زنانند هر چند که این امر بر مبنای یک ایدئولوژی

و به صورت پیگیر نیست و هر کدام، باز به طور متفاوت، از شیوه ادبی زمان خود که در حیطه مردان است فاصله گرفته و استقلالی که در سراسر زندگانی ادیشان به چشم می‌خورد پیشه گرفته‌اند.

محمد رضا قانون پرور در مقاله‌ای تحت عنوان «دنیای آرمانی پروین اعتصامی»<sup>۱۱</sup> پنج قطعه از اشعار او را که با عنوان «آرزوها» و همه با عبارت «ای خوشا» آغاز شده و به ردیف «داشتن» ختم می‌شوند مورد بررسی قرار داد و دنیای آرمانی پروین را بر اساس آنها تشریح می‌کند. طلب علم، جانفشانی در راه عشق (بیشتر عشق معنوی و روحانی)، همت، قناعت، آرزوی عمر جاودانی (بدون تن خاکی) و میل به انزوا حاصل برداشتهای نویسنده از آرمانهای پروین است. قانون پرور نیز بر این باور است که در میان همه تغییرات و جنبشهای مهم سیاسی و ادبی ایران که محیط پروین را فرا گرفته بود او خود را در واحه‌ای که ساخته افکارش بود محصور نمود. وی در پایان آرزو می‌نماید که ای کاش پروین خود را از شهرک مصنوعی خیال که در آن محصور بود رها می‌ساخت و با پا گذاشتن به دنیای حقایق، آرمانهای ملموس تری را به خواننده عرضه می‌کرد.

«پروین اعتصامی شاعری نوآور، تحلیلی از شعر جولای خدا»<sup>۱۲</sup> به قلم احمد کریمی حکاک مقاله دیگر این مجموعه است. حکاک با تجزیه و تحلیل «جولای خدا» می‌نماید که حتی در صنعت مناظره، چهره پردازی پروین بدیع و از شاعران اندرزگوی چون ناصر خسرو، نظامی، عطار و دیگران متفاوت است. وی نوآوریهای را که به شخصیتهای درون داستان و نیز به ساختار روایت مربوط می‌شود باز نموده و نکات اخلاقی را که با خواندن این قطعه خواننده در سطح عاطفی دستخوش آن می‌گردد بر شمرده و سرانجام شباهت چهره پروین اعتصامی زن شاعر ایرانی را در جامعه مشخص فرهنگی با عنکبوت، قهرمان این مناظره، که «پست و بی‌مقدار اما سربلند» و گوشه گیر به تیدن و پویندن مشغول است نمایانده است.

مقاله فرزانه میلانی به نام «جودیت شکسپیر و پروین اعتصامی»<sup>۱۳</sup> ادعای شایسته و صریح است علیه همه آنهايي که در پنجاه سال اخیر به زن بودن پروین اشاره کرده‌اند یا بهتر بگویم علیه جامعه مردسالار ایران. مقاله البته مقایسه بین جودیت شکسپیر و پروین نیست بلکه با این سوال فرضی و برجینیا ولف در کتاب «اطاق شخص خود» و پاسخ او آغاز می‌شود که ولف می‌پرسد «اگر شکسپیر خواهری با استعداد و نبوغ خود داشت چه اتفاقی می‌افتاد؟» و پاسخ این است که خودکشی تنها راهی بود که جلوی پای آن زن قرار داشت زیرا: «هر زنی که در قرن شانزدهم با این نبوغ ظهور می‌کرد مطمئناً (از

دست دیگران) دیوانه می‌شد، خود را به‌دار می‌زد، و با در اطاقکی بیرون دهکده‌اش در حال نیمه جنون در ترس و هراس، روزگار به‌سر می‌آورد». میلانی سپس با نگاهی گذرا به آغاز کار و شهرت پروین، و عدم چاپ دیوان او توسط پدرش تا بعد از ازدواج، (که مبدا این کار تبلیغی برای شوهر دادن دخترش تلقی گردد) و سایر شواهد، مبنا را بر این می‌گذارد که پروین مرد بود و بر این اساس مقایسه‌ای از آنچه می‌توانست در حق یک مرد بشود و در مورد پروین نشد به‌دست می‌دهد. بدیهی‌ست وی منکر موقعیت خاص پروین و بهره‌مندیش از مواهب خانواده فرهنگی و مرفه‌الحال و سلیم او که همه وسائل راحت و تحصیل را برایش فراهم آورده بودند نیست، اما بر این نکته انگشت می‌گذارد که چرا منتقدین و شعرشناسان ضمن تمجید و ستایش از شعرش نتوانسته‌اند از ابراز حیرت در این که صاحب چنین اشعاری زن است خودداری ورزند و یا این که فی‌المثل چرا زین کوب وقتی خواسته است که در مورد او سنگ تمام بگذارد او را «زنی مردانه در قلمرو شعر و عرفان» نامیده است.<sup>۱۰</sup> یعنی یک زن مردوار و این که شاعری زن به‌خاطر شعر خوب خود به‌مقام والای مردانگی ترقی نموده است!

میلانی پروین و چاپ دیوان او و بزرگی قدر و ستایشهای دوستداران او را نخستین شکوفه‌های بهار هویت‌گیری شخصیت زنان ایران می‌داند. بیرون آمدن او را از تاریکی گمنامی — علی‌رغم حجب و خجالتش — صدا در دادن او را در زبان شعر و بیان خواسته‌های قلبش را، و این که خود را به‌صورت شاعری معروف شناساند و با آوردن تخلص پروین در شعرهایش به‌زن بودن خود تکیه کرد جهشی بزرگ به‌حساب می‌آورد. به‌نظر میلانی کمرویی و حجب پروین که بسیاری به آن اشاره نموده‌اند در جامعه آن روز قابل درک است. وی این حجب و دستپاچگی در ملاقات مردان را با حال زنانی که نخستین بار در دوران رضا شاه با فرمان دولتی چادر از سر انداخته و در مقابله با مردی بیگانه گل و گردن و سر و پای خود را لخت احساس می‌کردند یکسان می‌داند. مگر نه آن که پروین با نشر آثارش زوایای درونش را نیز برهنه و عریان در معرض دید همگان گذاشته بود. میلانی تأثیر محیط مردانه و تفکر جنس مذکر را بر اشعار پروین انکار نمی‌کند ولی با نتیجه‌گیری منتقدین او هماوا نیست. بلکه می‌گوید به‌جای انتقاد از پروین که چرا به‌زبان مردان شعر گفت باید جامعه خفقان آور آن روز را انتقاد نمود.

نهمین مقاله این کتاب از حشمت مؤید است تحت عنوان «جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی».<sup>۱۰</sup> در این مقاله عالمانه که ۲۸ صفحه از کتاب را شامل می‌شود مؤید پروین را به‌شیواترین وجه در صحنه ادب ایران برآورد کرده و قدرت شاعری، حدت



ذهن، معیار بی‌عیب و نقص او را در سنجش شرف انسانی و اخلاق، پشتیبانی او را از آن دسته ارزشهای والای فرهنگ ایران که جزء میراث نوع بشر در همه عالم محسوب است، و سرانجام زیبایی و گیرایی اندیشه‌هایش را ستوده است. او را یکی از «برازنده‌ترین شاعران کل تاریخ ادبیات ایران» و در سرودن اشعار مناظره «مطلقاً بزرگترین شاعر فارسی‌زبان» می‌داند.

مؤید در عین حال منصفانه قضاوت می‌کند که شعر پروین از نقطه نظر زیبایی و فصاحت به پای آثار شاعرانی چون منوچهری و نظامی و خاقانی و حتی قآنی و بهار نمی‌رسد، همچنین از حیث زیور صنایع ادبی ظرافت و ملاحظت اشعار بزرگانی چون سعدی و حافظ را فاقد است. این معرفی کوتاه جای بحث بیشتری درباره مقاله مؤید را ندارد. باید آن را خواند و از شیوایی و قدرت استدلال در دفاع از پروین و رساندن او به پایگاه رفیع شاعری توانا لذت برد.

آخرین مقاله کتاب از ریوانه سندلر است تحت عنوان «چشم‌اندازی تازه در شعر قرن بیستم ایران»<sup>۱۰</sup> در ابتدای مقاله نویسنده مقایسه‌ای بین فروغ فرخ‌زاد و پروین اعتصامی از دیدگاه ایشان به زندگی و حیات به دست می‌دهد. فروغ دیوارهای دور خود را می‌شکند و در جامعه‌ای که هیچ تغییری را نمی‌خواهد بپذیرد شعر خود و جهان خود را خلق می‌کند و این آزادی را اصل اساسی در خوشبختی انسان می‌داند. اشعار پروین برعکس، به خواننده این حالت را القا می‌کند که هر کس و هر چیز در چهارچوبی که تقدیر برای او از ازل معین کرده زندانیست و حتی فکر پا بیرون گذاردن از دایره قسمت بی‌حاصل است. نویسنده با آوردن شواهدی از این دو شاعر تصویری از آزادی، بی‌پروایی، تواندیشی و تغییرپذیری افکار فروغ در طی چند دهه کوتاه زندگانش به دست می‌دهد و در مقابل پروین را شخصیتی می‌بیند جدی، معتقد به نقش تقدیر، سر به زیر و مطیع، مادرگونه و نصیحتگو که همواره از خوانندگان خود مثل یک معلم جدی فاصله می‌گیرد.

\*\*\*

در توانایی و استادی پروین در فن شاعری و این که او یکی از مفاخر ادبی کشور ماست هیچ یک از نویسندگان کتاب تردید ندارند. اما همانطور که دیدیم سوای سه مقاله که بخشی اساسی درباره شعر پروین و ویژگیهای آن دارد باقی با در حول و حوش کارهای پروین است و یا انتقاد از اوست که چرا شعر مردانه سروده و سنگ آزادی زنان را بر سینه نروده است.

این ایراد که چرا پروین علمدار نهضت آزادی زنان نشده بر دیگر شاعران دوران او و (یا بر همین اصل بر شاعران و نویسندگان دوران خودمان) نیز وارد است. کسی بر شعرای معاصر پروین مثل ایرج میرزا و عشقی که هر دو از پروین عامه پسندتر هستند ایراد نمی‌گیرد که چرا زنان محروم ایران را در آن دوران خفقان فراموش کرده‌اند. باید پرسید چرا فقط باید زنان برای آزادی خود قیام نمایند. وضع این قدر شور است که از هیچ شاعر مردی نباید انتظار همراهی و همدردی با نهضت زنان داشت؟ آیا این ایراد از پروین بازتاب نوعی نفوذ مردسالاری در این گونه مقالات نیست؟ ایرج میرزا با آن شیوه سهل و اشعار روانش اگر به جای پرداختن به روابط با دوستان منقلش و یا امور جنسی و داستانهای اسافل اعضاء قدری جدی‌تر به مسائل اجتماعی ایران می‌اندیشید می‌توانست شاعری ملی و انقلابی گردد. اما گویی ما مردم ایران لودگیها و بی بندوباریهای ایرج را بیشتر می‌پسندیم، نه تنها اشعار آن چنانیش را به خاطر روانی طبعش بر او می‌بخشیم، بر او خرده نیز نمی‌گیریم که چرا از آن استعداد خداداد بیشتر برای مطرح ساختن مشکلات اجتماعی ایران از جمله رهایی خواهران خود از بند ستم سود نجسته است. شهریار را به خاطر اشعار غنائی و عاشقانه زیبایش گرامی می‌داریم اما به فکرمان هم خطور نمی‌کند که چرا وی رسالتی اجتماعی در مبارزه با ظلم و حداقل، حقوق زنان در پیش نگرفت. زیرا که او مرد است و چنین انتظاری از او نباید داشت. همین که شعر شاعری به دل ما بنشیند و با خلیقات و عواطف درونی ما که میراث کهن نیاکان ماست همخوان و هماواز باشد شاعر را در قلب و جان می‌پذیریم، او را شناخته شده و خودمانی می‌دانیم، نه کاری به شرح احوالش داریم و نه انتظار رسالتی که ایفا نکرد. اما پروین را نمی‌توانیم هضم کنیم و به این پدیده یکتا در جامعه زنان ایران خرده می‌گیریم که چرا زن بودن خود را پنهان کرد و شعر مردانه سرود. ما که با هزار من سریشم هر چیز را به هر چیز می‌چسبانیم، خروش پروین را در نکوهش ظلم، ستایش عدل، رعایت عدالت و دهما اصل اخلاقی که به آسانی می‌تواند بر روابط زن و مرد نیز تطبیق شود ندیده می‌گیریم و گله می‌کنیم که چرا پروین در شعر مردانه خود آزادی همجنس‌انسانش را فراموش کرد. آیا حقوق زنان جز عدالت و نصفت است که اساس آن از خانواده باید نشأت گیرد و این همان نیست که نیمی از دیوان پروین را پر کرده؟

حقیقت این است که پروین برای ما شاعری غریب و ناشناخته است و هر چه هم کتابها در شرح احوال او نگاشته شود آن شناسایی و آگاهی و معرفتی که بتواند فاصله نامریی بین ما و او را از بین بردارد به دست نخواهد آمد. شاعری که شعور باطنی و

هویت و فطرت ملی ما ایرانیان می‌شناسد سوای گفتن شعر خوب خصائص و ویژگی‌هایی نیز دارد که در پروین نیست. شاعر ما یا مداح سلطان زمان است و ثروت‌اندوز از مدیحه‌دروغین سراییدن، مثل خیل شاعرانی که نامشان تاریخ ادبیات ما را زینت داده‌اند، یا رند و نظربازی‌ست مثل حافظ که سوای گفتن اشعار آسمانی، پنهانی باده می‌خورد، به‌ریش دنیا و آخرت می‌خندد، عاشق‌صفت است و مفلس و به‌ما نیز می‌گوید چنین باشید و با دنیای تیره این‌طور سر کنید. یا مثل سعدی‌ست که ما را با سبک شیوای خود مسحور می‌کند و ضمن حکایت و داستان دهها شیوه و ترفند به‌ما می‌آموزد که دروغ مصلحت‌آمیز از پاک‌ترینشان است. یا مثل خیام است که ما را به‌فراموش کردن دنیا و مافیها و غنیمت دانستن دم دعوت می‌کند و یا عبید زاکانی هجوسرای چیره‌دستی‌ست که دست رد بر هیچ نمی‌گذارد. اگر هم شاعری مثل مولانا پای بر افلاک عرفان و فناء فی‌الله بگذارد ما را در آن سیر و سفر آسمانی با دهها داستان رکیک و ناهنجار آشنا می‌سازد و رنج سفر را می‌کاهد. یک نوع شاعر دیگری را نیز در این سالهای بعد از مشروطیت عزیز می‌داریم و آن شاعر انقلابی‌ست که شعر احساساتی و انقلابی بسراید و به‌جای ما مقابل ظلم بایستد و احیاناً شهید شود. پروین با زندگانی کوتاه و بی‌غل و غش، با آن همه خصائص اخلاقی محکم و منزّه، با آن اشعاری که در ستایش راستی و پاکی و عصمت و عفت و پایداری و دهها خصائل دیگر انسانی گفته، و با ایستادگی و قدرت اخلاقی عجیبی که در همه آثارش به‌چشم می‌خورد، قیافه‌ای مقدّس‌گونه و مسیح‌وار دارد که در قالب فکری ما از شعرای محبوبمان جا نمی‌گیرد. ما شاعر زنی می‌خواهیم که به‌قول داوران «هزاران حيله و طرفه برای نظربازی و عشوه‌گری و عشق‌ورزی» به‌کار برد و پروین «این در را به‌روی خود بست».

نه آن که گنجینه‌ ادب ما از مسائل اخلاقی خالی باشد. برعکس شعرای دیگر نیز در همین زمینه‌ها بسیار سروده‌اند، اما در عین حال با یک چرخش استادانه، مستقیم یا غیرمستقیم، تعلیم داده‌اند که اغماض و چشم‌پوشی و مسامحه نیز در این کارها جایز است. پروین چنین نیست. پیامبری‌ست که درد جامعه را شناخته و می‌داند جز راستی و پاکی و درستی و عدالت هیچ دارویی نمی‌تواند آن دردها را درمان نماید. هیچ‌گونه مسامحه و چشم‌پوشی را نیز جایز نمی‌شمارد. آن‌گاه چون دیده است زمانه فرقی نکرده و کسی گوشش برای شنیدن حرف حساب آماده نیست لذا، به‌شیوه شاعران و گویندگان کهن که از بیم سخط سلطان به‌مثل و مناظره پناه می‌بردند، برای آن که بتواند حرف خود را بزند و مورد طعن و لعن و سنگسار قرار نگیرد به‌زبان مناظره خطابش به «مور و

ملخ و فیل و فنجان و محتسب و شحنه و دوک ریس و خارکن» است. ما شعر خوب دوست داریم ولی نصیحت اخلاقی دوست نداریم. این است که تصویر ما از پروین علی‌رغم عشقمان به اشعارش تصویری عبوس و تیره است. متأسفانه چند عکسی که از او در دست است و حالت مضطرب و ناراحت او را جلوی دوربین عکاسی — این پدیده تازه و ناشناخته آن زمان — نشان می‌دهد، به این برداشت کمک می‌کند.

اگر دیوان اشعار او بیش از نه بار چاپ شده بدان دلیل است که ما ذاتاً صفات اخلاقی و پاینده‌یهای وجدانی را که او منادی آن است می‌پسندیم و ارج می‌نیمیم. اما طاقت آن‌همه پاکی و شفافی و صفای باطن او را نداریم. ترجیح می‌دهیم در میهمانیهای خود حافظ رند را مونس جمع سازیم و حال دوستان را با آن‌همه اخلاقیات پروین نگیریم. نقاب، پرده یا حائلی که به قول قانون پرور به نوعی افکار و احساسات واقعی پروین را از ما مخفی می‌دارد همان انتظارات اساطیری ما از شاعر ایرانی است که نمی‌گذارد پروین را آن‌طور که بود بشناسیم و او را در قلب خود بپذیریم. وگرنه، نه شعر پروین گنگ است و نه زبانش ناآشنا و سخت.

نکته دیگری که در مقاله ریوانه سندلر به آن اشاره شده آن است که پروین را باید در محیط اجتماعی او شناخت. مقایسه پروین با فروغ قیاس دو جهان مختلف است. گرچه سالهایی که آنان را از هم جدا می‌کند به ظاهر کوتاه است اما فراموش نکنیم که بین محیط این دو، یک جنگ بین الملل دوم و اشغال ایران و پی آمدهای عظیم سیاسی و اجتماعی و ادبی آن وجود دارد که پروین هیچ یک را ندید و نشنید. ای کاش یکی از ناطقین این کنفرانس این سؤال را مطرح می‌نمود که اگر در سی و چهار سالگی به ناگاه چراغ عمر پروین خاموش نمی‌شد و وی همراه با تحولات مملکتی در سیلابی که شعر و ادبیات ما را به این جا رساند می‌افتاد باز هم همین پروینی بود که ما امروز می‌شناسیم؟ پاسخ به این سؤال آسان نیست ولی طرح آن می‌تواند شاخصی برای قضاوت پروین و آثارش به دست ما بدهد.

در این کتاب جای تحقیقی اساسی در مآخذ تمثیلات و داستانهای اشعار پروین خالی است. نمونه این سبک تحقیق را دکتر زرین کوب در مقاله خود آورده است.<sup>۱۷</sup> همچنین همان‌طور که دکتر مؤید به اشاره در پایان مقدمه خود بر دیوان پروین، و دکتر متینی در مقاله یادشده در بالا نگاهشده‌اند تحقیق بر سبک شعر پروین و تأثیراتش از شاعرانی چون انوری و منوچهری و ناصر خسرو و دیگر شعرای بزرگ نیز می‌توانست عنوان یکی از سخنرانیهای این کنفرانس قرار گیرد.

باید از تشکیل این کنفرانس با تشکر و تقدیر یاد کرد و حاصل آن، این کتاب گرانقدر را ارج نهاد زیرا برای نخستین بار مجموعه‌ای از نظریات و آراء پژوهشگران ایرانی و فرنگی را در مورد پروین اعتصامی در اختیار خواننده و پژوهشگر انگلیسی‌زبان قرار می‌دهد. همچنین باید آرزو کرد همت دکتر مؤید مدد راه شود و با سمیناری و کتابی مشابه، این بار برای شاعره‌ای دیگر، ستاره درخشان ادبیات کنونی ایران فروغ فرخ‌زاد، بر غنای تاریخ ادبیات ما بیفزاید.

بخش تحقیقات ایرانی، دانشگاه کپنهاگ

### پانویسها:

- ۱ - دکتر حشمت مؤید پروین را شاعری «عالی» در ردیف شاعرانی مثل رودکی، فرخی سیستانی، منوچهری، فخرالدین اسعد گرگانی، اسدی طوسی، ناصر خسرو، مسعود سعد سلمان، سنائی، انوری، خاقانی، عطار، عراقی، امیرخسرو دهلوی، جامی و خیل دیگر شعرا از جامی به بعد تا ملک الشعراء بهار می‌داند که گرچه در قریحه و ذوق و قدرت شاعری همگی با هم تفاوت داشته‌اند اما در یک چیز مشترک بوده‌اند و آن گیرایی کلام و نفوذشان بر خواننده و محبیتشان در بین فارسی‌زبانان بوده است. - Essays, p.161.
- ۲ - Heshmat Moayyad, "Parvin's Poems. A Cry in the Wilderness." - *Islamwissenschaftliche Abhandlungen*, Wiesbaden 1974, pp. 164-190.
- ۳ - *A Nightingale's Lament, Selections from the Poems and Fables of Parvin E'tesami*. Translated from the Persian by Heshmat Moayyad and Margaret Arent Madelung, 1985, xxxviii+213 pp., notes.
- ۴ - ایران‌نامه، سال ششم، پائیز ۱۹۸۷، ص ۱۱۸ به بعد.
- ۵ - ایران‌شناسی، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۸ (ویژه‌نامه پروین اعتصامی). این شماره شامل ترجمه فارسی مقالات زیر است: چند کلمه درباره پروین، جلال منینی - جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی، حشمت مؤید - شعر و سیاست و اخلاق: ارمغان پروین اعتصامی به شعر معاصر فارسی، حمید دباشی - پروین اعتصامی شاعری نوآور: تحلیلی از شعر «جولای خدا»، احمد کریمی حکاک - شعر «غیرشخصی» پروین اعتصامی، فرشته داوران - دنیای آرمانی پروین اعتصامی، محمدرضا قانون‌پرور.
- ۶ - محمدرضا قانون‌پرور، «دنیای آرمانی پروین اعتصامی»، ایران‌شناسی، سال اول، شماره ۲، ص ۳۱۰. این مقاله ترجمه سخنرانی دکتر قانون‌پرور در کتاب مورد بحث است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.
- ۷ - "Parvin E'tesami, The Magna Mater, and the Culture of the Patriarchs." -
- ۸ - "Of Poetics, Politics and the Ethics: The Legacy of Parvin E'tesami" -
- ۹ - "Impersonality in Parvin E'tesami's Poetry" -
- ۱۰ - "Parvin E'tesami and Lady Mary Wortley Montagu: Contrasts In Unision" -
- ۱۱ - "Parvin E'tesami's Utopia" -
- ۱۲ - "The Unconventional Parvin: An Analysis of Parvin E'tesami's "Jula-ye Khoda" (God's Weaver)." -

۱۳ - "Judith Shakespeare and Parvin E'tesami"

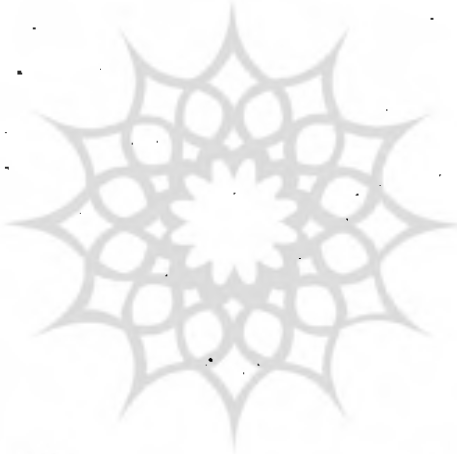
۱۴ - عبدالحسین زین کوب، دفتر ایام، مجموعه گفتارها، اندیشه‌ها و جستجوها، انتشارات علمی، ۱۳۶۵، ص

۵۲-۶۵.

۱۵ - "Parvin E'tesami's Niche in the Pantheon of Persian Poetry"

۱۶ - Rivanne Sandler, "A New Perspective in Twentieth Century Persian Poetry"

۱۷ - نگاه کنید به پارسی شماره ۱۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی